

Challenges Faced by Police in Hybrid Warfare

Javad Kiani¹

Parviz Ahi²

Type of article: Research article

Received: 19/10/2024

Accepted: 05/12/2024

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.9/NO.4 (serial 34)/Winter 2025*87-116



DOI:10.1022034/ssj.2024.103752

Abstract

Background and Objective: The police, as a key institution ensuring national security, plays a critical role in fostering societal progress and prosperity. Over the past two decades, this service-oriented organization has encountered challenges in fulfilling its inherent and legal duties. These challenges have been imposed by adversaries of the Islamic Republic of Iran in the form of hybrid warfare. This study aims to identify the challenges faced by the police in countering hybrid warfare.

Methodology: This research is applied in purpose, qualitative in nature, and exploratory. Data were collected through semi-structured interviews with senior commanders and managers of the Law Enforcement Command of the Islamic Republic of Iran. The validity of the data collection tool was confirmed through face and content validity, and reliability was ensured by consensus among coders. The participant pool comprised 16 individuals, selected based on the theoretical saturation approach. Data analysis utilized a thematic analysis method with a three-level approach.

Findings: The results reveal that the Law Enforcement Command of the Islamic Republic of Iran faces challenges in organizational dimensions, management in governmental institutions, societal and public infrastructure, legal gaps, and influential actors in its efforts to counter hybrid warfare. Addressing these challenges requires targeted planning and appropriate measures.

Conclusion: Considering the absence of a specific framework for countering hybrid warfare in Iran, and given the persistent hostility of adversaries toward the Islamic Republic, it is essential for the police, as a frontline entity, to establish a structure capable of monitoring the dimensions of hybrid warfare. This includes creating a specialized task force to identify weaknesses and gaps that enable hybrid warfare and implementing necessary preventive measures.

Keywords: Police, Hybrid Warfare, Challenges, Security.

1.Assistant Professor of Border Patrol Department, Faculty of Border Patrol, Amin Comprehensive University of Police Sciences, Tehran, Iran(corresponding author), kiani.javad2014@gmail.com

2.Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management and Command, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran ,p.ahi@yahoo.com

چالش‌های پلیس در جنگ ترکیبی

جواد کیانی^۱

پرویز آهی^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال نهم/ شماره ۴ (پیاپی ۳۴) - زمستان ۱۴۰۳* ۸۷-۱۱۶



DOI:10.1022034/ssj.2024.103752

چکیده

زمینه و هدف: پلیس یا سازمان انتظامی یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که با تولید امنیت در کشور زمینه‌ساز پیشرفت و شکوفایی جامعه را فراهم می‌سازد. این نهاد خدمتگزار در دو دهه گذشته و در برهه‌های مختلف در انجام وظایف ذاتی و قانونی خود با چالش‌هایی مواجه بوده‌است که این چالش‌ها از سوی دشمنان جمهوری اسلامی ایران در قالب جنگ ترکیبی تحمیل شده‌است. با مدنظر قراردادن این موضوع، هدف از نگارش این مقاله، شناسایی چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی است.

روش: پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، کاربردی و به‌لحاظ نحوه گردآوری و ماهیت داده‌ها، از نوع پژوهش‌های کیفی و از نوع اکتشافی است. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه از نوع نیمه‌ساختاریافته است که با فرماندهان و مدیران سطوح عالی فراجا انجام گرفته‌است. روایی ابزار گردآوری داده‌ها به‌شکل صوری و محتوایی و پایایی آن، با لحاظ اجماع کدگذاران مورد تأیید قرار گرفته‌است. جامعه مشارکت‌کنندگان با اتخاذ رویکرد اشباع نظری به تعداد ۱۶ نفر بوده‌است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از روش تحلیل مضمون با رویکرد سه‌سطحی بهره‌برداری شده‌است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، با چالش‌هایی در ابعاد سازمانی، مدیریتی در نهادهای دولتی، اجتماعی و زیرساخت عمومی، خلأ قانونی و نیز بازیگران تأثیرگذار مواجه است و برای مدیریت این چالش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر متناسب و مرتبط است.

نتایج: باتوجه به این موضوع که در حال حاضر، چارچوبی مشخص برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن در کشور وجود ندارد و با مدنظر قراردادن این موضوع که دشمن در هیچ برهه زمانی، دست از دشمنی و خیانت خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران برنخواهد داشت، نیاز است که پلیس به‌عنوان یک نهاد درگیر در این حوزه، ساختاری مطالبه‌گر در قالب یک قرارگاه رصد ابعاد جنگ ترکیبی دشمن در کشور پیاده‌سازی کند تا با شناسایی ضعف‌ها و خلأهایی که زمینه‌ساز آسیب‌های جنگ ترکیبی در کشور است، نسبت به پیشگیری لازم در این حوزه اقدام کند.

واژگان کلیدی: پلیس، جنگ ترکیبی، چالش، امنیت.

۱. استادیار گروه مرزبانی، دانشکده مرزبانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

kiani.javad2014@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و فرماندهی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران،

p.ahi@yahoo.com

مقدمه

جنگ یکی از مفاهیم بنیادین علوم سیاسی، نظامی و دفاعی است که از نظر شکل، محتوا و گستردگی در دوره‌های مختلف، تغییرات بنیادینی داشته‌است و اندیشمندان نظامی براساس مبانی فکری خود، این تغییرات را در قالب انواع مختلف نسل‌بندی جنگ‌ها ارائه نموده‌اند. از این منظر، نسل‌های جنگ را می‌توان به چهار دسته جنگ‌های سنتی، مدرن، فرانو (پست‌مدرن)^۱ و جنگ‌های آرمان‌طلبانه تقسیم کرد (بختیاری و ساعدی، ۱۳۹۸: ۱۰۲). عوامل متنوعی از جمله تغییر جغرافیای جنگ، حمایت سیاسی، حملات از دور، کاهش تعداد نیروهای عملیاتی، کوتاه‌شدن زمان جنگ، هدف‌زنی دقیق، قدرت تخریب بالا، رشد چشمگیر فناوری‌های نظامی و ارتباطی و پراکندگی میدان‌های نبرد در جنگ‌های آینده، از عوامل پیچیده‌ترشدن کنترل در جنگ‌های آینده به‌شمار می‌آید. جدیدترین و پیچیده‌ترین سبک جنگیدن که تاکنون مطرح شده‌است، نوع ترکیبی آن است. این نوع جنگ، ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و نامتقارن است و شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای دردسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. درواقع، به‌دلیل پیچیدگی فضای جنگ و استفاده از سطوح مختلف از یک‌سو و افزایش ضریب فریب بازیگران ازسوی دیگر، ضرورت تأکید بر جنگ‌های ترکیبی در جهان نوین اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۴). در برداشت از مفهوم جنگ نرم و اجرای آن ازسوی قدرت‌های بزرگ، فهم این نکته ضروری است که کاربست آن به‌گونه‌ای انجام می‌شود که کشور هدف تا مدت طولانی نتواند تشخیص دهد که ازسوی دولت دیگر، موردهدف قرار گرفته‌است. سلب اختیار و ممانعت از درک شرایط ایجادشده، از مهم‌ترین دلایل پیچیدگی جنگ‌های نرم است. هدف آرمانی از کاربست جنگ نرم، خلق وضعیتی است که در آن، دشمن در شبکه‌ای از ابهام، کاهش آستانه خشونت و انکار، موردحمله قرار گیرد و بدین‌سان، یک پاسخ

منسجم و موثر، اغلب تا زمانی که بسیار دیر است و هدف حمله‌کننده کاملاً محقق شده است، به تأخیر می‌افتد (کوریبکو^۱، ۲۰۱۵: ۳۸).

با مدنظر قراردادن آنچه که درخصوص مولفه‌های جنگ ترکیبی بیان شد، جمهوری اسلامی ایران طی یک دهه گذشته، بارها مورد هجوم و حمله دشمنان خود در قالب جنگ ترکیبی قرار گرفته است که از مصادیق بارز آن، می‌توان به ناآرامی‌های شهریورماه ۱۴۰۱ اشاره کرد که حاکی از جنگ ترکیبی ضد جمهوری اسلامی ایران است. سبک رفتاری پیچیده و هوشمند غیرمتمرکز، سیال شبکه‌ای و اتکا با ضریب بسیار بالا بر رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی هم نشانی از توسعه رفتار اغتشاشگران و اتکای آنان به دلارهای بی‌حد و حساب و کمک‌های گسترده خارجی داشت. یکی از تفاوت‌های این مرحله از اقدام با مراحل قبلی، محله‌محور نمودن اقدامات خرابکارانه بود که با ترفند «هزار خنجر» و با هدف زدن ضربه‌های متعدد به پیکره نظام انجام شد. هدف از محله‌محور نمودن اقدامات را می‌توان در افزایش اثربخشی و قدرت مانور، فرسایش نیروهای کنترل‌کننده، عدم شناسایی رهبران اغتشاش و خروج سریع از صحنه، همکاری برخی از ساکنان برای فرار معترضین، ساماندهی غیررسمی با شناخت معترضین از یکدیگر، تعرض به اشخاص و اماکن خاص، عملیات روانی ضد نیروهای عمل‌کننده و افراد همکار، تداوم تنش سیاسی در دانشگاه‌ها و ادامه اعتراضات دانشجویی با امید شعله‌ور ماندن اعتراضات، تداوم اقدامات فرهنگی در مدارس و تحریک نوجوانان برای کشف حجاب و اعتراضات، تلاش برای همراه‌سازی اصناف و ایجاد اعتراضات گسترده در حوزه‌های اثرگذار، منفعل کردن جریان‌های انقلابی و چندپاره کردن جامعه با اقدامات تبلیغاتی و تکیه بر مشکلات مردم و زنده کردن اعتراضات با هدف تهییج معترضین خلاصه کرد (مفخمی شهرستانی و احتشامی، ۱۴۰۱: ۲۰).

درواقع، ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در کشور، نمونه بارز جنگ ترکیبی بود که مقام معظم رهبری مدظله‌العالی نیز در دیدار خود با دانش‌آموزان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ به این موضوع اشاره و ملت و مسئولین نظام را برای هوشیاری

لازم در این خصوص توصیه نمودند. آنچه که در این میان، نیازمند توجه و دقت بیشتری است، وجود چالش‌ها و آسیب‌هایی است که دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در مقابله با این نوع جنگ با آن مواجه‌اند و برای کنترل تبعات آن، متحمل خسارت‌های زیادی در قالب حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌شوند. فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های امنیتی کشور که مأموریت تأمین نظم و امنیت در بخش‌های مختلف کشور را برعهده دارد، در راستای مقابله با هرگونه جرایم امنیتی و انتظامی، دارای طرح‌ها و راهبردهای مختلفی است و از طریق پلیس‌های تخصصی نسبت به پیشگیری از این‌گونه جرایم اقدام می‌کند. این فرماندهی به دلیل پیچیدگی و چندوجهی بودن مولفه‌های جنگ ترکیبی که مصداق بارز آن در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ نمایان بود، با چالش‌هایی مواجه شد که پیشگیری از تکرار این چالش‌ها و کاهش آسیب‌پذیری در موارد مشابه در آینده، نیازمند پژوهشی جامع است تا به بررسی و شناخت ابعاد و مولفه‌های چالش‌های مذکور بپردازد. با مدنظر قراردادن این موضوع، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش هستند که چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی کدامند؟

پیشینه

قادری کنگاوری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره» به این نتیجه رسیده است که کشور ایران هم‌اکنون در شرایط کم‌بازدارندگی/بازدارندگی نامکفی قرار دارد؛ به این معنا که باوجود موفقیت‌های بزرگ و حیاتی در عرصه بازدارندگی دفاعی و نظامی، در حوزه بازدارندگی اطلاعاتی نتوانسته است آن‌گونه که باید و شاید، توازن راهبردی بازدارنده‌محور با سرویس اطلاعاتی حریف را در این زمینه ایجاد نماید؛ بنابراین، فقدان توان بازدارندگی اطلاعاتی از نوع انکار، اصولاً به تسلیم‌پذیری در برابر دیپلماسی اجبار یا پرداخت هزینه‌های سنگین و گاه غیرقابل جبران امنیت ملی می‌انجامد.

رستمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل امنیتی مؤثر در بروز جنگ ترکیبی توسط گروه‌های تارشگری در غرب آسیا» به این نتیجه رسیدند که هم‌افزایی عوامل امنیتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب بروز جنگ ترکیبی توسط گروه‌های تارشگری تکفیری در غرب آسیا شده است و می‌تواند امنیت غرب آسیا را در دو حوزه ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی به شکل جدی به مخاطره اندازد.

ریاضی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که هشت مؤلفه روانی، اطلاعاتی، اقتصادی، دیپلماسی — سیاسی، سایبری، نیروهای نظامی منظم و نیروهای ویژه و حمایت‌از درگیری‌های داخلی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی به شمار می‌رود. در همین رابطه، تعداد ۵۳ ابزار از مؤلفه‌های یادشده تعیین شد که برای بهره‌برداری مسئولین و متولیان امر و به منظور تقابل هدفمند معرفی شد.

زواره و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی» به نتیجه رسیدند که سیاست‌گذاری‌های ابلاغی دفاعی، ظرفیت نوآوری، بعد عملیاتی نوآوری، دانش تاکتیک‌ها و نظریه‌های دفاعی، از پیش‌نیازهای اصلی و خلاقیت، نوآوری، حس‌سازی، طراحی، فناوری و مرزشکنی دانش، سازمان نوآور نظامی و جنگ ترکیبی، از مهم‌ترین ابعاد و متغیرهای اصلی الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی هستند.

عزیززاده و محمدی‌الستی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «دکترین نظامی جنگ آینده» به این نتیجه رسیدند که در تدوین دکترین جدید، باید از پیشرفت‌هایی که در فناوری اطلاعات، الکترونیک نظامی، قابلیت‌های نظارتی و هدایت دقیق اتفاق می‌افتد، به طور کامل بهره‌برد و این واقعیت نیز باید درک شود که سخت‌افزارهای نظامی امروزی مانند هواپیماها، کشتی‌ها و تانک‌ها فقط به جایگاهی برای حمل مهمات هدایت‌شونده دقیق، حسگرها و موشک‌ها تنزل یافته‌اند. بر طبق نتایج این پژوهش، کلید آینده، یکپارچگی است و دکترین

نظامی باید طیف وسیعی از نیروهای مختلف را دربرگیرد و در یک مجموعه مؤثر به هم پیوند دهد تا بتواند به عنوان یک نیروی ضربتی توانا مورد استفاده قرار گیرد.

متقی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت پیشگیرانه در فضای چندجانبه‌گرایی بین‌المللی» از رهیافت «نهادگرایی بین‌المللی» برای تبیین امنیت پیشگیرانه در فضای چندجانبه‌گرایی بین‌المللی استفاده کرده است. در این فرآیند، پلیس دارای نقش اجتماعی است و در نتیجه، لازم است که زمینه‌های کنترل اجتماعی در چارچوب امنیت پیشگیرانه و از طریق چندجانبه‌گرایی بین‌المللی در دستور کار قرار گیرد. مفروض مقاله آن است که در سال‌های پس از جنگ سرد، جرایم سازمان‌یافته و نیروهای گریز از مرکز، زمینه شکل‌گیری جرایم سازمان‌یافته و نیروهای گریز از مرکز در حوزه‌های مختلف جغرافیایی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. پرسش اصلی مقاله بر این موضوع تأکید دارد که در سال‌های پس از جنگ سرد، مقابله با تهدیدها و جرایم امنیتی در چه فرآیندی انجام می‌شود. طبق فرضیه مقاله، در فضای چندجانبه‌گرایی بین‌المللی در سال‌های پس از جنگ سرد، جرایم امنیتی را می‌توان در قالب امنیت پیشگیرانه کنترل کرد. در این مقاله، چندجانبه‌گرایی بین‌المللی، متغیر وابسته و امنیت پیشگیرانه، متغیر مستقل تلقی شده است.

لطفی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد داده‌کاوی در استفاده بهینه از بانک‌های اطلاعاتی پلیس؛ راهبردهای نوین» پس از معرفی روش‌های داده‌کاوی و الگوریتم‌های آن، به بیان الگویی کاربردی در آماده‌سازی و پیش‌پردازش داده‌های جمع‌آوری شده موادمخدر شامل ویژگی‌های شخصیتی و دیگر اطلاعات جمع‌آوری شده از این مجرمان، به خوشه‌بندی در پنج دسته پرداخته‌اند.

تورسین و تورونتوا^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ ترکیبی و چالش با قوانین بین‌المللی» به بررسی چشم‌انداز پیچیده جنگ ترکیبی پرداخته‌اند؛ یک استراتژی درگیری چندوجهی که روش‌های نظامی متعارف را با حملات

سایبری، جنگ اطلاعاتی و اجبار اقتصادی ترکیب می‌کند. چالش‌هایی که جنگ ترکیبی برای حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند، مشکلات ایجاد تعاریف حقوقی و پاسخ‌های استراتژیک قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه، ایالات متحده و چین را بررسی و تا انطباق استراتژی‌های ملی و بین‌المللی برای رسیدگی به مناطق خاکستری درگیری که جنگ ترکیبی از آن بهره‌برداری می‌کند، پیش می‌رود. این مقاله با تأکید بر نیاز به چارچوب‌های قانونی نوآورانه و همکاری بین‌المللی، تأثیر جنگ ترکیبی بر پویایی امنیت جهانی و ماهیت در حال تحول جنگ در عصر دیجیتال را برجسته می‌کند.

ویتر^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «بازبینی جنگ ترکیبی: نبرد بوزوارد»^۲ به این نتیجه رسید که جنگ ترکیبی رایج‌ترین اصطلاحی است که مفسران برای توصیف پیچیدگی و ویژگی چندوجهی جنگ معاصر به کار می‌برند و به روش‌های اجباری رقابت استراتژیک اطلاق می‌شود که زیر آستانه درگیری‌های نظامی متعارف رخ می‌دهد و معمولاً برای ترکیبی از روش‌های جنگ نظامی و غیرنظامی که توسط دشمنان اصلی غرب، روسیه و چین به کار می‌رود، اطلاق می‌شود. اصطلاح جنگ ترکیبی، از یک مفهوم اساساً نظامی به مفهومی تبدیل شده است که به‌طور بالقوه، همه ابزارهای قدرت دولتی را دربرمی‌گیرد. جنگ ترکیبی هنوز یک اصطلاح نامناسب و بحث‌برانگیز است و بسیاری از واژه‌های سرسام‌آور دیگر مانند جنگ نامنظم، تهدیدات ترکیبی و تهاجم منطقه خاکستری وجود دارند که برای توصیف همین پدیده استفاده می‌شوند. این مقاله به بررسی تحول تفکر در مورد جنگ هیبریدی و مفاهیم مرتبط می‌پردازد و چالش‌هایی را که محققان و متخصصان در تلاش برای تعریف و به کار بردن این اصطلاحات در محیط سیاست به‌شیوه‌ای که درک مشترک و انسجام استراتژیک را ترویج می‌کند، با آن مواجه بوده‌اند، برجسته می‌کند.

یورچاک^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «جنبه‌های علمی و عملی جنگ ترکیبی» به این نتیجه می‌رسد که جنگ ترکیبی، ابزار جدید تهاجم دولت‌های

1. Wither
2. Bozward
3. Yurchak

توتالیت‌ر نئوامپریالیستی است که هدف آن، دولت‌های مستقل مخالف هژمونی روسیه در سرزمین‌های پس از فروپاشی شوروی است. این مقاله به مطالعه رویکردهای فردی برای تعریف جنگ ترکیبی اختصاص دارد و در آن، ماهیت و ویژگی‌های کلی جنگ ترکیبی مشخص و مسائل مشکل‌ساز حفاظت از منافع ملی در مرزهای دولتی تحلیل می‌شود.

فهمی و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل عناصر جنگ ترکیبی در جنگ نامتقارن ۲۰۲۳ بین حماس و اسرائیل» به این نتیجه رسیدند که درگیری بین حماس و اسرائیل، یک محیط جنگ نامتقارن پیچیده را ایجاد کرده است و عناصری از جنگ ترکیبی شامل روش‌های نظامی و غیرنظامی را به وجود آورده است. جنگ هیبریدی نظریه جدیدی نیست و تمرکز در درجه اول بر توانایی هدف قراردادن اشیا و فرآیندهای دور از طریق روش‌های نظامی غیرمتعارف، به‌ویژه برای عملکردهای دولتی و نظامی است. جنگ ترکیبی که به عنوان یک رویکرد نامتقارن شناخته می‌شود، به دنبال دستیابی به تأثیرات عمده با استفاده از روش‌های ساده است؛ مانند توقف عملیات نظامی دشمن یا قطع حمایت سیاسی عمومی. محیط عملیاتی جنگ هیبریدی شامل مجموعه‌ای از حوزه‌های درگیری مرتبط به هم مانند نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، تجاری، علمی و فناوری است. از آنجاکه دولت‌های درگیر در جنگ هیبریدی، این کار را با انجام اقدامات متمرکز در همه مناطق درگیری و با یک هدف واحد انجام می‌دهند، در نتیجه، اقدامات انجام شده توسط دولت‌های درگیر در جنگ ترکیبی نیز باید در همه مناطق متمرکز باشد.

وجه اشتراک پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، بهره‌برداری از مبانی نظری مربوط به جنگ ترکیبی است. این پژوهش‌ها بیشتر تبیین و تحلیل ابعاد جنگ ترکیبی و حوزه‌های مختلف تأثیرپذیر از این پدیده را مورد مذاقه قرار داده است و پژوهش مستقلی که بخواهد چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی را مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد. نوآوری پژوهش حاضر، شناسایی

چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی با رویکرد یک پژوهش میدانی است که با انجام مصاحبه با صاحب‌نظران امنیتی به نگارش درآمده است.

مبانی نظری

جنگ ترکیبی، به‌عنوان یکی از نظریه‌های جدید و درخشان برای توصیف درگیری‌های نوظهور پس از جنگ سرد مطرح شد و بحث‌ها درمورد این نظریه از ابتدای بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ شدت گرفت؛ زیرا کشورهای غربی فعالیت‌های روسیه را جنگ ترکیبی توصیف کردند. به‌طور کلی، تعریفی که از جنگ ترکیبی ارائه شده است، عبارت‌است از جنگی با ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و ناهمگون است. این جنگ شامل استفاده بازیگری دولتی یا غیردولتی از همه مؤلفه‌های سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. جنگ ترکیبی، جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم قابل‌توجهی به‌طور هم‌زمان تحت فرماندهی واحدی، رزم می‌کنند (کلانتری، ۱۳۹۴: ۴۲). بحث موردنظر بیشتر بر روی این پرسش متمرکز است که آیا جنگ ترکیبی نوع جدیدی از جنگ است یا خیر و نظریه‌پردازان در این مورد به دو گروه تقسیم شدند:

گروه اول، از این نظریه حمایت می‌کند که جنگ ترکیبی نوع جدیدی از جنگ نیست و تأکید می‌کند که در طول تاریخ، دشمنان به شگردها و راهبردهای مختلفی متوسل شده‌اند تا با روش‌های جدید، خلاقانه و پیش‌بینی‌نشده به پیروزی برسند و این امر، بعدها به بخشی از جنگ سنتی تبدیل شد؛ به‌عنوان مثال، دیمین ون پویولده^۱ بیان می‌کند که جنگ، چه باستانی یا مدرن، ترکیبی یا غیرترکیبی، همیشه پیچیده است و به‌سختی می‌توان آن را در یک صفت واحد قرارداد (پویولده، ۲۰۱۵). پیتزر آر. منصور^۲ (۲۰۱۲: ۴) استدلال می‌کند که جنگ ترکیبی با وجود اهمیت آن به‌عنوان آخرین کلمه پر سروصدا در واشنگتن، تازگی ندارد و شجره‌نامه تاریخی آن،

1. Damien van Puyolde

2. Peter R. Mansour

حداقل به جنگ پلوپونزی^۱ در قرن پنجم قبل از میلاد برمی‌گردد. هوبر^۲ (۲۰۰۸: ۷) می‌نویسد که تغییر در میدان جنگ و جستجوی نیروهای جدید، مانند فناوری‌های نوآورانه یا به‌خصوص مخرب یا روش‌های فرار جدید، همیشه رخ داده‌است و نباید به‌عنوان تحولات اساسی در نظر گرفته‌شود.

گروه دوم استدلال می‌کنند که جنگ ترکیبی نوع جدیدی از جنگ است و بر جنگ‌های آینده غالب خواهد بود؛ به‌عنوان مثال، هافمن^۳ استدلال می‌کند که در سطح راهبرد، بسیاری از جنگ‌ها اجزای منظم و نامنظمی داشته‌اند؛ باین‌حال، در بیشتر درگیری‌ها، این مؤلفه‌ها در شکل‌های کاملاً متفاوت رخ می‌دهند. در جنگ ترکیبی، این نیروها در همان فضای نبرد به یک نیرو تبدیل می‌شوند (هافمن، ۲۰۰۹: ۸). راب دویک^۴ (۲۰۱۲: ۳۵۸) استدلال می‌کند که در آغاز قرن بیست‌ویکم، جنگ ترکیبی بهترین مفهوم برای درک جنگ‌های معاصر است و می‌افزاید که در جنگ ترکیبی، تمایز بین جنگ‌های بزرگ، منظم و جنگ‌های کوچک و نامنظم کم‌رنگ شده‌است و به‌این‌ترتیب، بر ماهیت نامتقارن جنگ ترکیبی تأکید می‌کند. از نظر او، عدم تقارن، مفهومی کلیدی برای درک جنگ ترکیبی است و جنگ نامنظم همیشه ابزار ضعیفان بوده‌است؛ روشی برای جبران عدم تعادل بین نیروها و قابلیت‌ها (لیندلی فرنچ و بویر^۵، ۲۰۱۲). کالدور^۶ در سال ۲۰۱۳ جنگ ترکیبی را به‌عنوان شکلی از جنگ جدید می‌پذیرد که در آن، تشخیص جنگ داخلی و خارجی مبهم و سخت است؛ یعنی این نوع جنگ‌ها متفاوت از جنگ‌های داخلی کلاسیک و بین‌ایالتی هستند (کالدور، ۲۰۱۳: ۲۵).

کانون اصلی کاربست مفهوم جنگ ترکیبی در پژوهش کوریبکو^۷، استفاده دولت‌ها از ابزارها و امکانات این نوع از جنگ‌ها برای تغییر نظام سیاسی در کشورهای دشمن است (کوریبکو، ۲۰۱۵: ۳۷). دولت‌ها در استفاده از این ابزار،

1. Peloponnesese

2. Huber

3. Hoffman

4. Rob Duke

5. Lindley-French & Boyer

6. Mary Kaldor

7. Korybko

عامدانه مرزهای میان وضعیت جنگ و صلح را تیره و مبهم می‌کنند تا از این طریق، دولت هدف با ناآگاهی از وضعیت ایجادشده، از واکنش مناسب و به‌موقع، ناتوان شود. در این‌گونه از جنگ‌ها، بدان سبب که دولت هدف نمی‌تواند تعیین کند که آیا در وضعیت صلح و یا جنگ قرار گرفته‌است، نمی‌تواند پاسخ مناسبی ارائه کند. مهم‌تر آنکه قدرت‌های بزرگ در زمان بهره‌برداری از جنگ‌های ترکیبی برای وصول به اهداف تعیین‌شده، به تمامی وجوه نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی تبلیغاتی کشور هدف، حمله می‌کنند. این حملات به‌گونه‌ای تدریجی و فرسایشی انجام می‌شود و ظرفیت‌های کشور هدف برای پاسخ مناسب تا حد زیادی تخلیه می‌شود. هدف آرمانی از کاربست جنگ ترکیبی، خلق وضعیتی است که در آن، دشمن در شبکه‌ای از ابهام، کاهش آستانه خشونت و انکار، مورد حمله قرارگیرد و بدین‌سان، ارائه یک پاسخ منسجم و موثر، اغلب تا زمانی به تأخیر می‌افتد که هدف حمله‌کننده کاملاً محقق شده‌است (کوریکو، ۲۰۱۵: ۳۸). درمجموع، کوریکو عمده‌ترین ویژگی‌های جنگ ترکیبی را در موارد زیر، تجمیع می‌کند:

۱. تحریم اقتصادی؛
 ۲. انزوای سیاسی؛
 ۳. حملات سایبری و تبلیغاتی؛
 ۴. تدریجی بودن فشارها و تهدیدها ضد کشور هدف؛
 ۵. مبهم بودن مرزهای جنگ و صلح؛
 ۶. هماهنگی و انسجام ابزارهای به‌کارگرفته‌شده.
- دقت در ابزارهای تعریف‌شده در جنگ ترکیبی، حکایت از آن دارد که در این جنگ، کشورها از همه امکانات خود اعم از نظامی و غیرنظامی برای تغییر نظام و یا تسلیم کشور مقابل در برابر اهداف خود استفاده می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران مثال بارز و آشکاری است که مولفه‌های جنگ ترکیبی ازسوی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا بر آن اعمال شده‌است؛ به عنوان مثال، در زمان دولت ترامپ «بنیاد دفاع از دموکراسی» تحریم‌های اقتصادی را مهم‌ترین ابزار برای وادار کردن ایران برای بازگشت به میز مذاکره معرفی کرد

(دوبوئر^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵). تحریم‌های اقتصادی در کنار سایر اقدام‌ها مثل حملات سایبری و فشارهای تبلیغاتی و روانی، اقدام‌های نظامی و تلاش در انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اقدام‌هایی است که از گذشته تاکنون برضد کشور ایران به کار گرفته شده و تغییر روسای جمهور آمریکا نیز نتوانسته‌است در آن تغییری ایجاد کند؛ زیرا دکترین امنیت خارجی آمریکا بر این مبنا تدوین شده‌است. خوشبختانه این سیاست‌ها تاکنون نتیجه‌ای دربر نداشته و منتقدین دولت نیز آن را شکست‌خورده قلمداد می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، کلمن‌سی^۲ - سیاستمدار منتقد جمهوری خواهان - در فرجام آن، ابراز تردید کرده و آن را راهبردی شکست‌خورده می‌داند (کلمن‌سی، ۲۰۱۹). رهبر معظم انقلاب در ۱۹ بهمن ۱۴۰۰ دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در این خصوص می‌فرماید: «از همه‌جهت، یک حمله ترکیبی دسته‌جمعی را شروع کرده‌اند. ما هم درمقابل باید حرکتمان حرکت ترکیبی باشد ... دفاع باید بکنیم، اما همیشه در موضع دفاعی نمی‌توانیم بمانیم ... دشمن تهاجم می‌کند؛ ما هم باید تهاجم داشته باشیم»^۳.

جنگ شناختی و ترکیبی ازجمله مولفه‌های مهم و اثرگذار در جنگ ترکیبی است. جنگ شناختی قلمرو درک را دربرمی‌گیرد و تمام جنبه‌های عملکرد فکری، ازجمله عوامل ناخودآگاه و عاطفی که بر تصمیم‌گیری انسان تأثیر می‌گذارد را شامل می‌شود. این یک رویکرد راهبردی است که هدف از آن، تأثیرگذاری، حفاظت و برهم‌زدن نگرش‌ها و رفتارهای افراد و گروه‌ها با استفاده از روش‌های غیر جنیشی به‌موازات یا به‌جای اقدام‌های نظامی سنتی است. تأثیر جنگ شناختی را نباید دست کم گرفت؛ هرچند که بیشتر از آنها به‌عنوان فعالیت‌های «منطقه خاکستری» یاد می‌شود که برای شکل دادن به فرآیندهای تصمیم‌گیری، از بین بردن اعتماد در جوامع و ایجاد هرج و مرج طراحی شده است. دشمنان از عملیات روانی و اطلاعاتی و همچنین، شگردهای سایبری و

1. Dobowitz

2. Clemenceau

3. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=49562>

مهندسی اجتماعی استفاده می‌کنند و از سوگیری‌های شناختی بهره می‌برند و این امر می‌تواند منجر به تبلیغات هدفمند و پویش‌های اطلاعات نادرست شود که توانایی مردم را در تشخیص واقعیت از داستان تضعیف می‌کند و منجر به ازدست رفتن اعتماد نسبت به رسانه‌ها می‌شود و علاوه بر این، می‌تواند به افزایش قطبی شدن، به حاشیه راندن و استثمار عاطفی منجر شود.

باتوجه به کلیاتی که درخصوص جنگ ترکیبی بیان شد، امنیت کشورها، به‌ویژه امنیت داخلی، اولین لایه‌هایی هستند که در حمله‌های جنگ ترکیبی مورد حمله قرار می‌گیرند و با تأثیرگذاری که در لایه‌های پنهان و آشکار جوامع برجای می‌گذارند، موجب شکل‌گیری پدیده اجتماعی در قالب اعتراض، اغتشاش و درنهایت، درگیری بین مردم و نهادهای دولتی می‌شوند. در این بین، پلیس اولین نهادی است که در راستای وظایف ذاتی خود، برای مقابله با هرگونه ناهنجاری اجتماعی و امنیتی وارد عمل شده و با چالش‌هایی در این حوزه مواجه می‌شود. با در نظر داشتن این موضوع که پیشگیری از هرگونه پدیده اجتماعی که موجب ناامنی در سطح جامعه می‌شود، نیازمند شناخت کافی برای مقابله با آن پدیده است، بنابراین، به نظر می‌رسد که در برهه کنونی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که می‌تواند برای مقابله و مدیریت این گونه حمله‌ها از سوی پلیس مورد استفاده قرار گیرد، دانش و علم شناخت جنگ ترکیبی و آگاهی بخشی به جامعه در مواقع مبتلا به است و این امر، نیازمند همراهی سایر نهادهای حکومتی و غیر حکومتی است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها، اکتشافی و از منظر اجرا، از نوع پژوهش‌های کیفی است. در این پژوهش، با مراجعه به ادبیات تجربی و نظری، چالش‌های پلیس در جنگ ترکیبی به طریق اکتشافی، شناسایی و استخراج شد و با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون، به تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شد. این پژوهش، با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از فرماندهان، مدیران و خبرگان حوزه علوم انتظامی و جنگ ترکیبی به شکل حضوری انجام شد و مدت مصاحبه، به‌طور میانگین، بین ۵۰ تا ۶۰

دقیقه بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد و تازمانی ادامه یافت که نمونه‌های بیشتر در کیفیت داده‌های پژوهش، بی‌تأثیر بود. تعداد پرسش‌ها یا گزاره‌های موردنظر و میزان تنوع آرا و اندیشه‌ها در فضای گفتمانی موضوع، از معیارهای کلیدی برای تعیین تعداد افراد مشارکت‌کننده است. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل مضمون است که به صورت سه سطحی انجام و کدگذاری داده‌ها نیز به روش تجزیه و تحلیل براساس مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انجام شد. برای به دست آوردن روایی در پژوهش حاضر، از نظرات و رهنمودهای خبرگان و کارشناسان برای تدوین سوالات مصاحبه استفاده شد. برای دستیاب به معیار اعتبارپذیری، از سه فن استفاده شد؛ نخست، اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان انجام شد؛ به طوری که از ایشان خواسته شد تا یافته‌های کلی مطالعه را ارزیابی کرده و درمورد صحت آن نظر دهند و سپس از نظریات آنها در هنگام نتیجه‌گیری و تحلیل بهره‌برداری شد. روش دوم، مقایسه تحلیلی است که در آن، به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. در روش سوم، از بازرسی خارجی استفاده شد؛ به طوری که داده‌ها چندین بار توسط خبرگان موردبررسی و نظارت قرار گرفت و راهنمایی‌ها و ملاحظات خبرگان در انسجام بخشی و به کارگیری درست از یافته‌ها چندین بار تکرار و تطبیق داده شد و این نظارت و بررسی در تمام مراحل پژوهش، استفاده شد.

یافته‌ها

این بخش مربوط به یافته‌های پژوهش است که در دو بخش یافته‌های جمعیت‌شناختی و یافته‌های تحلیلی ارائه شده است؛ با این توضیح که در بخش یافته‌های جمعیت‌شناختی، به تبیین ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در شاخص‌های تحصیلات، درجه، سنوات خدمتی، سمت و مدت مصاحبه پرداخته خواهد شد و در بخش یافته‌های تحلیلی، با استفاده از روش تحلیل مضمون، به تجزیه و تحلیل یافته‌های به دست آمده در قالب سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر و در نهایت، الگوی نهایی پژوهش پرداخته خواهد شد.

یافته‌های توصیفی

در این بخش، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در قالب شاخص‌های جایگاه شغلی مصاحبه‌شونده، تحصیلات، سن، سنوات خدمتی، تخصص و درنهایت، مدت زمان مصاحبه در جدول ۱ ارائه شده‌است.

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	جایگاه شغلی مصاحبه‌شونده	تحصیلات	سن سال	سنوات خدمتی سال	مدت زمان مصاحبه
۱	۱۸	دکتری	۵۱	۳۱	۶۰ دقیقه
۲	۱۸	دکتری	۵۴	۳۴	۵۵ دقیقه
۳	۱۷	دکتری	۵۷	۲۵	۴۵ دقیقه
۴	۱۸	دکتری	۵۳	۲۹	۶۰ دقیقه
۵	۱۷	دکتری	۴۶	۲۳	۵۸ دقیقه
۶	بازنشسته	دکتری	۶۱	۴۰	۴۹ دقیقه
۷	۱۸	دکتری	۶۰	۴۰	۴۵ دقیقه
۸	۱۸	دکتری	۵۹	۳۹	۶۰ دقیقه
۹	۱۹	دکتری	۶۲	۴۵	۵۵ دقیقه
۱۰	۱۹	دکتری	۶۳	۴۵	۴۵ دقیقه
۱۱	۱۸	دکتری	۵۸	۳۶	۶۰ دقیقه
۱۲	۱۸	کارشناسی ارشد	۵۲	۲۷	۵۸ دقیقه
۱۳	بازنشسته	دکتری	۵۸	۳۸	۴۹ دقیقه
۱۴	۱۸	دکتری	۵۰	۲۹	۴۵ دقیقه
۱۵	۱۷	دکتری	۵۳	۳۰	۵۰ دقیقه
۱۶	۱۸	دکتری	۵۴	۳۳	۶۰ دقیقه

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های بخش جمعیت‌شناختی، حاکی از آن است که تعداد ۱۶ مصاحبه انفرادی به صورت نیمه‌ساختاریافته از نمونه شامل فرماندهان و مدیران آشنا به موضوع انجام گرفته است که از نظر شاخص جنسیت، همگی مرد هستند؛ از نظر شاخص تحصیلات، در بین این افراد، یک نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و تعداد ۱۵ نفر دارای مدرک دکتری بوده‌اند. از نظر شاخص جایگاه شغلی، ۳ نفر دارای جایگاه شغلی ۱۷، ۹ نفر دارای جایگاه شغلی ۱۸، دو نفر دارای جایگاه شغلی ۱۹ و دو نفر از مدیران بازنشسته بوده‌اند.

از نظر شاخص سن، یک نفر بین ۴۵ تا ۵۰ سال، ۷ نفر بین ۵۰ تا ۵۵ سال، ۴ نفر بین ۵۵ تا ۶۰ سال و ۴ نفر بین ۶۰ تا ۶۵ سال بوده‌اند. از نظر شاخص سنوات خدمتی، ۵ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۷ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال و بقیه بالای ۴۰ سال بوده‌اند. از نظر شاخص تخصص، کلیه مصاحبه‌شوندگان دارای تخصص مسائل امنیتی و انتظامی بوده‌اند و در نهایت، از نظر شاخص مصاحبه، میانگین مدت مصاحبه ۵۰ دقیقه بوده‌است.

یافته‌های تحلیلی

در این بخش، با استفاده از روش تحلیل مضمون سه‌سطحی، به کدگذاری داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه پرداخته شده‌است؛ با این توضیح که پس از اتمام هر مصاحبه، داده‌های به‌دست‌آمده به صورت متن پیاده‌سازی شده و از طرف خبرگان آشنا به موضوع تحقیق و روش کدگذاری، نسبت به کدگذاری در سطح اول یا مضامین پایه اقدام شده‌است. این فرآیند تا جایی ادامه یافت که کدگذاران در نفر شانزدهم مصاحبه‌شونده به این اجماع رسیدند که مصاحبه با نفرات جدید، اطلاعات جدیدی به پژوهش اضافه نخواهد کرد؛ بنابراین، از نفر شانزدهم، فرآیند مصاحبه متوقف گردید و کدگذاری برای استخراج مضامین سازمان‌دهنده از کدهای پایه انجام گرفت. در ادامه، پس از استخراج مضامین سازمان‌دهنده برای طراحی الگوی پژوهش و همچنین، کاربردی کردن نتایج به‌دست‌آمده، کدهای فراگیر از تلخیص کدهای سازمان‌دهنده استخراج و الگوی نهایی پژوهش ترسیم شد. در جدول ۲ فرآیند تلخیص مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان ارائه شده‌است.

جدول ۲. مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	کد مصاحبه شونده	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	P5-p8-p9-p10-p13	نبود وحدت رویه در مدیریت بحران‌های اجتماعی	مسائل اجتماعی	چالش‌های اجتماعی و اجتماعی
۲	P5-p8-p9-p10-p13	سوء مدیریت در مسائل فرهنگی و اجتماعی		
۳	P5-p9-p10-p13-p14-p16	چالش روند اجتماعی شدن افراد جامعه در ارتباط با پلیس		
۴	P6-p7-p8-p11-	چالش تغییر در کیفیت رابطه مردم و پلیس در شرایط		

ردیف	کد مصاحبه شونده	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	p14-p15-p16	جنگ ترکیبی		
۵	P6-p7-p9-p10-p12	چالش پررنگ شدن قومیت گرایی در شرایط جنگ ترکیبی		
۶	P6-p9-p10-p14-p16	فرسایشی شدن مقابله با جنگ ترکیبی		
۷	P2-P3-P4-P5-p7-p9-p15	نقص در زیرساخت های عمومی کشور در شرایط جنگ ترکیبی		
۸	P2- P4-p6-p8-p9-p12-p15	نبود ساختار مناسب برای مدیریت فضای مجازی در شرایط جنگ ترکیبی		
۹	P2-p9-p11-p12	ناکافی بودن امکانات مقابله با خرابکاری در شرایط جنگ ترکیبی		
۱۰	P2-p5-P6-p11-p14-p15	ضعف مطالبه گری پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی	چالش های سازمانی پلیس	
۱۱	P4- P5-P6-p12-p14-p16	عدم شفافیت مأموریت های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی		
۱۲	-P4-P6-p9-p10-p3	ضعف پلیس در همراه نمودن نهادها و دستگاه های دولتی در مقابله با جنگ ترکیبی		
۱۳	P4-p7-p9-p11-p12	نابرابری انتظارات و توقعات از پلیس در شرایط جنگ ترکیبی		
۱۴	P4-p6-p7-p8-p11-p14-p16	تفاوت مفهوم نظم و امنیت در بین مردم و پلیس در شرایط جنگ ترکیبی		
۱۵	P4-P6-p9-p11-p12-p14	کژکارکردی های نهادهای حاکمیتی	ضعف در نهادها و دستگاه های دولتی	چالش های مدیریتی و ضعف در قوانین و نهادهای دولتی
۱۶	P4-p7-p9-p11-p12	شناخت ناکافی نهادهای دولتی با تهدیدات حوزه جنگ ترکیبی		
۱۷	P4-p5-p7p9-p11-p12	ناهماهنگی در بین نهادهای متولی در مقابله با جنگ ترکیبی		
۱۸	P4-p7-p8-p10-p11	ضعف در دسترسی به اطلاعات لازم در نهادهای دولتی در شرایط جنگ ترکیبی		
۱۹	P5-p9-p10-p13-p15-p16	ضعف مدیریت در بهره برداری از ظرفیت های رسانه ای در شرایط جنگ ترکیبی		
۲۰	P5-p7-p9-p11-p13	ضعف در تصمیم گیری های راهبردی		

ردیف	کد مصاحبه شونده	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۲۱	P1-p4-p6-p8-10-p11	ناکافی بودن اقدامات مقابله با جنگ ترکیبی	ضعف‌های مدیریتی	
۲۲	P6-p8-p9-p10-p11	بخشی‌نگری در مقابل هم‌افزایی در مقابله با جنگ ترکیبی		
۲۳	P4-p5-p6-p9-p10-p13	ناکافی بودن متخصصان و نخبگان جنگ ترکیبی		
۲۴	P3-p6-p8-p11-p13-p14	کم‌توجهی به حوادث گذشته و عبرت‌آموزی از آنها		
۲۵	P1-p4-p6-p8-10-p11-p13-p14-p16	کم‌توجهی به آینده‌پژوهی در حوزه جنگ ترکیبی		
۲۶	P1-p7-p8-p11-p13-p12	نبود مدیریت یکپارچه در شرایط مقابله با جنگ ترکیبی		
۲۷	P1-p4-p6-p8-10-p11-p13-p14-p16	ضعف در اقتناع‌سازی اذهان عمومی در مقابله با جنگ ترکیبی		
۲۸	P2-P3-P4-P5-p7-p9-p15	ضعف در تحقیقات و پژوهش‌های عمومی مرتبط با جنگ ترکیبی		
۲۹	P3-P6-p7-p10-p14-p16	وجود خلأهای قانونی در مقابله با جنگ ترکیبی	قوانین کشور ضعف در	
۳۰	P6-p11- p12-p14-p15-p16	تحریم‌های اقتصادی در شرایط جنگ ترکیبی	بازیرگران خارجی تأثیرگذار	چالش بازیرگران تأثیرگذار
۳۱	P7-p10-p12-p14-p15-p16	القای بی‌عدالتی و تبعیض در نظام اقتصادی و سیاسی		
۳۲	P1-p7-p8-p11-p12	القای ناکارآمدی حاکمیت در شرایط جنگ ترکیبی		
۳۳	P4-p8-p11-p14	عدم اثبات مقصران داخلی دخیل در شکل‌گیری جنگ ترکیبی	بازیرگران داخلی تأثیرگذار	
۳۴	P3-p6-p8-p11-p13-p14	مشخص نبودن بازیرگران پاسخ‌گو به هجمه‌های جنگ ترکیبی		
۳۵	P5-p9-p10-p12-p14-p15-p16	عوامل داخلی در جایگاه‌های مختلف نظیر نفوذی‌ها، سلبریتی و مانند آن		

پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه، تحلیل لازم در قالب کدگذاری سطح اول صورت گرفت و در این مرحله ۳۵ کد پایه توسط کدگذاران استخراج و مورد تأیید قرار گرفت. با در نظر داشتن این موضوع که با استفاده از کدهای به دست آمده، به دلیل فراوانی بالا، نمی‌توان تحلیل کاربردی ارائه داد، بنابراین،

لازم شد تا با تلخیص کدهای به دست آمده در این مرحله، سطح دوم تحلیل یا استخراج کدهای سازمان‌دهنده انجام شود تا مولفه‌ها و یا کدهای کلان‌تری برای شناسایی چالش‌های موصوف حاصل شود؛ بنابراین، مضامین پایه براساس ارتباط معنایی، تلخیص شد و در نتیجه، هشت مضمون سازمان‌دهنده با عناوین مسائل اجتماعی، کمبود زیرساخت‌های عمومی، مسائل درون‌سازمانی پلیس، مسائل برون‌سازمانی پلیس، ضعف در نهادها و دستگاه‌های دولتی، ضعف‌های مدیریتی، ضعف در قوانین کشور، بازیگران خارجی تأثیرگذار و بازیگران داخلی تأثیرگذار استخراج شد که در زیر به تبیین این مضامین پرداخته شده‌است.

۱. مسائل اجتماعی

مضمون اول مسائل اجتماعی است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره ۱۱ و ۱۳ از این قرار است: «دستیابی به هرگونه ثبات و امنیت در جوامع، ریشه در مسائل اجتماعی و فرهنگی دارد که اگر در فرآیند اجتماعی شدن افراد، این مسائل به درستی از طرف نهادهای متولی طراحی شود، جامعه دارای توسعه و پیشرفت خواهد شد و در غیر این صورت، باعث واگرایی در بین مردم و نهادهای حکومتی از جمله پلیس خواهد شد که این موضوع در شرایطی نظیر جنگ‌های ترکیبی، موجب تقابل مردم با پلیس و سایر نهادهای دولتی خواهد شد».

در تبیین مضمون بالا، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مولفه‌های مختلفی در شکل‌گیری یک اجتماع پویا تأثیرگذار است که به صورت زنجیروار به هم پیوند خورده‌اند و اگر در هر کدام از حلقه‌های این زنجیر، خللی وارد شود، موجب اختلال در پیوند و کارکرد کلی آن خواهد شد؛ تاجایی که ماهیت اصلی خود را ازدست خواهد داد و به تعبیری، موجب گسستگی در آن جامعه یا اجتماع خواهد شد. با در نظر داشتن این موضوع که هرگونه گسست اجتماعی در جامعه دارای تبعات امنیتی است و پلیس اولین نهادهای است که به مقابله با هرگونه کج‌روی و یا نافرمانی مدنی اقدام می‌کند، توجه به مسائل اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مضامینی است که باید در شروع و یا گسترش جنگ ترکیبی به آن دقت نمود و اقدامات پیشگیرانه لازم را در خصوص آن به عمل آورد.

۲. کمبود زیرساخت‌های عمومی

مضمون دوم، کمبود زیرساخت‌های عمومی است که در این خصوص نظر مصاحبه‌شونده شماره ۶ از این قرار است: «یکی از چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی، نبود امکانات کافی در زیرساخت‌های عمومی کشور است که این موضوع در مرحله شروع جنگ ترکیبی ارتباط مستقیم با پلیس ندارد اما تشدید شرایط اجتماعی، موجب سرریز شدن تبعات آن به حوزه مأموریتی پلیس می‌شود».

در تشریح این مضمون، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کمبود یا اختلال در زیرساخت‌های عمومی مانند هک‌شدن یا خرابکاری در جایگاه‌های سوخت‌رسانی، بانک‌ها یا ادارات در شرایط جنگ ترکیبی، در مراحل اول، به صورت مستقیم چالشی برای پلیس ایجاد نمی‌کند ولی در صورت استمرار این موضوع و مرتفع نشدن این مسائل ازسوی متولیان امر، موجب تشدید نارضایتی اجتماعی و شکل‌گیری ناآرامی اجتماعی شده و در ادامه، امنیتی‌شدن مسائل، منجر به چالش‌های امنیتی برای پلیس خواهد شد.

۳. مسائل برون‌سازمانی پلیس

مضمون سوم، مسائل برون‌سازمانی پلیس است که در این خصوص نظر مصاحبه‌شونده شماره ۲ از این قرار است: «بسیاری از چالش‌های امنیتی شکل گرفته در سطح جامعه، به دلیل کارکرد نادرست سازمان‌ها و نهادهای دولتی است که این موضوع سبب‌ساز پیامدهای امنیتی برای پلیس است. با در نظر داشتن این امر، پلیس باید با استفاده از ظرفیت‌های نهادهایی همچون شورای عالی امنیت ملی، نسبت به کارکرد سازمان‌های مختلف مطالبه‌گری نموده و آنها را به پاسخ‌گویی ملزم سازد».

در تبیین مضمون مسائل برون‌سازمانی پلیس، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که لازم است برای مقابله با چالش‌های امنیتی سرریز شده از بحران‌هایی نظیر جنگ ترکیبی که ماحصل کارکرد نادرست سایر سازمان‌های دولتی است، اداره یا معاونت مستقلی در ساختار سازمانی پلیس پیش‌بینی شود تا نسبت به رصد مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و مانند آن، که

بستر ساز جنگ ترکیبی است، پردازد و مطالبه‌گری و هشدارهای لازم را از طریق سلسله‌مراتب به نهادهای متولی ارائه نماید.

۴. مسائل درون‌سازمانی پلیس

مضمون چهارم، مسائل درون‌سازمانی پلیس است که در این خصوص نظر مصاحبه‌شونده شماره ۹ از این قرار است: «باتوجه به جدیدبودن موضوع جنگ ترکیبی و گسترده‌بودن ابعاد آن، مأموریت‌های روشنی از طرف قانون‌گذار برای پلیس مشخص نشده‌است و این موضوع باعث می‌شود که پلیس در انجام مأموریت‌های خود در شرایط جنگ ترکیبی با ابهام و پیچیده‌گی مواجه شود».

در تبیین مضمون مسائل درون‌سازمانی پلیس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که عدم شفافیت در مسئولیت‌های واگذارشده به نهادهای امنیتی در شرایط جنگ ترکیبی، موجب هم‌پوشانی اقدامات اجرایی شده و سبب می‌شود که این اقدامات به‌صورت جزیره‌ای انجام شود و به‌این ترتیب، به نتیجه مطلوبی منجر نشود؛ بنابراین، طبق نظر خبرگان، عدم شفافیت مأموریت‌های پلیس در شرایط جنگ ترکیبی می‌تواند موجب موازی‌کاری با سایر نهادهای امنیتی شود.

۵. ضعف در نهادها و دستگاه‌های دولتی

مضمون پنجم، ضعف در نهادها و دستگاه‌های دولتی است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره ۱۲ و ۱۴ از این قرار است: «یکی از مهم‌ترین عوامل بستر ساز در شروع و تشدید جنگ ترکیبی که تبعات آن در قالب مسائل امنیتی موجب بروز چالش برای پلیس می‌شود، کژکارکردی در نهادها و دستگاه‌های دولتی در انجام وظایف قانونی و ذاتی خود است».

در تشریح این مضمون، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ضعف در ساختار و انجام وظایف قانونی و همچنین، عدم شناخت کافی از تهدیدات ترکیبی دشمن از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی، به‌خصوص سازمان‌هایی که در ارتباط نزدیکی با مردم هستند، موجب می‌شود که با کوچک‌ترین اختلال در خدمات عمومی، نارضایتی و نافرمانی روی دهد که تبعات آن، بروز چالش‌های امنیتی برای پلیس خواهد بود.

۶. ضعف‌های مدیریتی

مضمون ششم، ضعف‌های مدیریتی است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شونده شماره ۳ از این قرار است: «یکی از چالش‌های پلیس در زمانی که کشور مورد حمله جنگ ترکیبی است، نبود مدیریت یکپارچه و مقابله با این موضوع است. با این توضیح که راهبرد مناسبی در قالب پیش بینی، پیشگیری، ترمیم و بازسازی ازسوی یک مرجع برای مقابله با موضوع جنگ ترکیبی وجود ندارد و چه‌بسا تبعات آن، در قالب مسائل امنیتی دامنگیر پلیس خواهد شد».

در تبیین این مضمون، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مواجهه با هرگونه بحران طبیعی و غیرطبیعی نیازمند مدیریت هوشمند و قوی و به‌هنگام است. هرگونه ضعف در مواجهه با این‌گونه بحران‌ها موجب فراگیرشدن آن و سرریز شدن تبعات آن به سایر بخش‌های جامعه و ایجاد اختلال در کل کشور خواهد شد. با مدنظر قراردادن این موضوع، وجود هرگونه ضعف مدیریتی در مواجهه با جنگ ترکیبی که تبعات آن می‌تواند موجب سقوط و نابودی یک کشور شود، نیازمند برنامه‌ریزی و اتخاذ راهبردهای مدیریتی متناسب است.

۷. ضعف در قوانین کشور

مضمون هفتم، ضعف در قوانین کشور است که در این خصوص بسیاری از مصاحبه‌شوندگان نظرورزی نموده‌اند که به‌عنوان نمونه، به یکی از روایت‌ها اشاره می‌شود: «باتوجه به نوپدیدبودن مسائل مربوط به جنگ ترکیبی در نظام بین‌الملل و توجه ناکافی به این موضوع ازسوی بسیاری از کشورها که جمهوری اسلامی ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست، قانون جامعی که بتواند کلیه مسائل مربوط به مقابله با جنگ ترکیبی را پوشش دهد، وجود ندارد. یاد در صورت وجود، ناقص بوده و از پوشش لازم درخصوص این موضوع برخوردار نیست».

در تبیین این مضمون، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اگر قوانین جامعی درخصوص قرارگرفتن کشور در شرایط جنگ ترکیبی وجود داشته‌باشد، شرح وظایف سازمان‌ها و نهادها مشخص و از انجام اقدامات موازی، جزیره‌ای و پراکنده پیشگیری شده و نسبت به مسئول‌سازی کلیه نهادها در مقابله با شرایط

موصوف اقدام خواهد شد و به سبب امکان پیگیری امورات ازسوی هر ارگان و یا سازمان، پلیس در شرایط بحرانی، به تنهایی عهده‌دار تمامی تبعات موجود نخواهد بود.

۸. بازیگران خارجی تأثیرگذار

مضمون هشتم، بازیگران خارجی تأثیرگذار است. در این خصوص، نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ از این قرار است: «جنگ ترکیبی از ماهیت خارجی برخوردار بوده و از طریق کشورهای مخالف نظام حاکم راه‌اندازی و پیگیری می‌شود و به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن امنیت داخلی کشور، پلیس اولین نهادی است که مورد حمله این بازیگران قرار می‌گیرد».

در تبیین این مضمون، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ماهیت جنگ ترکیبی، برخاسته از اقدامات یک یا چند بازیگر برضد یک یا چند بازیگر دیگر است که در عرصه نظام بین‌الملل با رویکردهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و مانند آن شکل می‌گیرد و اولین تبعات آن، به چالش کشیده شدن امنیت داخلی و ملی آن بازیگر یا بازیگران است؛ بنابراین، به چالش کشیده شدن پلیس در شروع و گسترش جنگ ترکیبی با رویکرد نرم آن، یکی از اهداف اصلی بازیگران خارجی است تا بتوانند مراحل بعدی جنگ را که رویکرد سخت یا نظامی آن خواهد بود، پیاده‌سازی کنند.

۹. بازیگران داخلی تأثیرگذار

مضمون نهم، بازیگران داخلی تأثیرگذار است. در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره ۴ و ۱۶ از این قرار است: «در بررسی چالش‌های پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی، عواملی نظیر مخالفین، معاندین، پیاده‌نظام اجاره دشمن، سلبریتی‌های داخلی و مانند آن، دخیل هستند که مواجهه با آنها نیازمند اتخاذ تدابیر متناسب ازسوی پلیس است».

در تشریح این مضمون، توجه به این نکته حائز اهمیت است که در کنار تأثیرگذاری و شروع جنگ ترکیبی ازسوی بازیگران خارجی، دامن‌زدن و گسترش جنگ از طرف بازیگران داخلی در قالب مخالفین، معاندین، پیاده‌نظام اجاره‌ای دشمن، خودفروخته‌ها و درنهایت، سلبریتی‌ها، از طریق کسب یا افزایش

طرفدار در محیط داخلی، موجب افزایش چالش امنیتی برای پلیس می‌شود که نمونه‌های متعدد آن در اتفاقات سال‌های گذشته مشهود است. برای پیشگیری از هرگونه اقدامات عملی ازطرف این بازیگران در شرایط جنگ ترکیبی، پلیس باید تدابیر مناسبی را به‌منظور خنثی‌سازی آنها اتخاذ کند.

پس از تلخیص مضامین سازمان‌دهنده در سطح دوم تحلیل، مضامین فراگیر در سطح سوم تحلیل با عناوین چالش اجتماعی و زیرساختی، چالش‌های سازمانی پلیس، چالش‌های مدیریتی و ضعف در قوانین و نهادهای دولتی و در نهایت، چالش بازیگران تأثیرگذار استخراج شد که می‌توان گفت از نظر خبرگان و کارشناسان آشنا به موضوع پژوهش، پلیس برای مقابله با جنگ ترکیبی با ۴ چالش کلان مواجه است و برای مرتفع‌نمودن آن، نیازمند اتخاذ تدابیر متناسب است. برای ارائه نمایه کلی از چالش‌های مذکور، الگوی نهایی پژوهش در قالب نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. الگوی نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، تقابل بازیگران در عرصه نظام بین‌الملل از بستر شفاف جنگ‌های فیزیکی، فراتر رفته و در لایه‌های پیچیده اطلاعاتی و شناختی، دچار تغییرات اساسی شده‌است. بررسی جنگ‌های اخیر در جهان نشان‌دهنده آن است که مهاجمین با به‌کارگیری مجموعه‌ای از اقدامات هم‌زمان در حوزه‌های کاملاً متفاوت، در پی دستیابی به هدف هستند؛ به‌گونه‌ای که حملات آنها از چارچوب آشکار جنگ نظامی به الگوهای پیچیده جنگ ترکیبی تغییر شکل یافته‌اند. دشمنانی که امروز، جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده‌اند، بر این باور هستند که قدرت ایران در چند سال آینده، قابل کنترل نخواهد بود و به‌همین دلیل، خواستار تأثیرات عمیق ذهنی بر جامعه ایران هستند تا به‌نوعی آن را از پیشرفت بازدارند. آنها با به‌کارگیری حرب‌های متفاوتی نظیر تغییر واقعیت در رابطه با نقاط قوت، کاهش کارآمدی داخلی و بین‌المللی، افزایش حس ناکامی اجتماعی و کاهش اعتماد سیاسی مردم نسبت به اوضاع کشور، تلاش می‌کنند تا مردم ایران، ناامیدی و ناکارآمدی را به‌عنوان عضو اجتناب‌ناپذیر جامعه بپذیرند. با مدنظر قراردادن موارد معنونه، یکی از نهادها و سازمان‌هایی که با تولید امنیت در راستای ایجاد بسترهای پویایی و شکوفایی کشور گام برمی‌دارد، پلیس یا نیروهای انتظامی هستند که در برهه‌های مختلف برای رسیدن به اهداف خود که تأمین بالاترین درجه امنیت در عرصه داخلی کشور است، با چالش‌هایی در مقابله با پدیده‌ای به نام جنگ ترکیبی مواجه‌اند. در این راستا، در پژوهش حاضر، با انجام یک تحقیق میدانی در قالب مصاحبه با فرماندهان و مدیران آشنا به موضوع پژوهش، چالش‌های مبتلا به پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی را شناسایی و احصا شده‌است. بررسی پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع، نشان‌دهنده این است که از بین پژوهش‌های انجام‌گرفته، نتایج پژوهش رستمی و همکاران (۱۴۰۰) به‌دلیل پرداختن به مسائل امنیت داخلی و همچنین، نتایج پژوهش ریاضی و همکاران (۱۴۰۰) به‌دلیل آنکه مؤلفه روانی، اطلاعاتی، اقتصادی، دیپلماسی — سیاسی، سایبری، نیروهای نظامی منظم و نیروهای ویژه و حمایت‌از

درگیری‌های داخلی را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی معرفی کرده‌است، با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی داشته‌است؛ ولی نتایج سایر پژوهش‌ها به‌دلیل تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های کلی جنگ ترکیبی با نتایج پژوهش حاضر هم‌نظر نیست.

در تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از دیدگاه خبرگان، پلیس در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن با چالش‌هایی در ابعاد کلان همانند چالش‌های مدیریتی و ضعف در نهادهای دولتی، چالش اجتماعی و زیرساختی، چالش‌های قانونی و نیز چالش بازیگران تأثیرگذار مواجه است. در تحلیل و واکاوی این چالش‌ها باید به این نکته توجه نمود که باتوجه به ماهیت پیچیده جنگ ترکیبی، انجام اقدامات پراکنده و جزیره‌ای ازطرف پلیس و یا هر ارگان و نهاد دولتی دیگر برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، اغلب محکوم به شکست بوده یا موجب اتلاف در سرمایه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن خواهدشد. با درنظرداشتن این موضوع که هدف دشمن در طراحی و پیاده‌سازی هرگونه جنگ یا تهدید ترکیبی در وهله اول، مورد حمله قرار دادن امنیت داخلی کشور هدف است و پلیس اولین نهادی است که پس از هدف قرارگرفتن امنیت داخلی، با چالش‌های متعددی مواجه می‌شود، نیاز است که یک بازنگری جدی در ارتباط این سازمان با نهادهای دخیل در مقابله با جنگ ترکیبی انجام شود. باتوجه به این موضوع که در حال حاضر، چارچوب مشخصی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن در کشور وجود ندارد و با مدنظر قراردادن این موضوع که دشمن در هیچ برهه زمانی، دست از دشمنی و خباثت خود نسبت به جمهوری اسلامی برنخواهد داشت، نیاز است که پلیس به عنوان یک نهاد درگیر در این حوزه، نسبت به پیاده‌سازی ساختاری مطالبه‌گر در قالب یک قرارگاه رصد ابعاد جنگ ترکیبی دشمن در کشور اقدام کرده و با شناسایی ضعف‌ها و خلأهایی که زمینه‌ساز آسیب‌های جنگ ترکیبی در کشور است، درخصوص پیشگیری لازم در این حوزه وارد عمل شود.

پیشنهادهای

۱. ایجاد ستاد یا قرارگاهی برای رصد ابعاد جنگ ترکیبی در محیط‌های آسیب‌پذیر کشور که متولی این موضوع می‌تواند وزارت کشور باشد؛
۲. ارتقای شناخت مسئولین کشور (لشکری و کشوری) از ابعاد جنگ ترکیبی و همچنین، ارتقای سواد رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی عمومی نسبت به تهدیدات جنگ ترکیبی. در بخش اول، نهادهای مرتبط با مسئولین و در بخش دوم، صداوسیما نقش مهم و تأثیرگذاری خواهد داشت؛
۳. تدوین قوانین و مقررات جامع برای مسئول‌سازی نهادهای دخیل در حوزه جنگ ترکیبی که در این خصوص، دولت و مجلس باید اقدامات لازم را در زمینه تدوین قوانین مذکور مبذول دارند؛
۴. توسعه زیرساخت‌های عمومی با رویکرد بومی جهت کاهش آسیب‌پذیری در شرایط جنگ ترکیبی که متولی اصلی این موضوع دولت است؛
۵. ارتقای اشراف اطلاعاتی در زمینه شناسایی عوامل نفوذی داخلی و خارجی و خنثی‌سازی هرگونه اقدام عملی از طرف آنها. در این خصوص، نهادهای امنیتی از قبیل وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اطلاعات ارتش، سازمان اطلاعات فراجا و مانند آن، متولی این موضوع هستند؛
۶. آگاهی‌بخشی عمومی در خصوص دخالت عوامل نفوذی داخلی و خارجی در شرایط جنگ ترکیبی که در این زمینه، کلیه نهادهای دولتی و غیردولتی می‌توانند نقش موثری را ایفا کنند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل یک پژوهش میدانی است که با حمایت مالی دبیرخانه همایش ملی جنگ ترکیبی به نگارش در آمده‌است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از کلیه فرماندهان و مدیران فرماندهی انتظامی کل کشور که در انجام پژوهش حاضر یاریگر آنها بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

فهرست منابع

- بختیاری، ایرج؛ ساعدی، بیژن (۱۳۹۸). روند تکاملی جنگ و جنگ ترکیبی (از منظر فرماندهی و کنترل)، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۵ (۴۹)، ۱۲۷-۱۰۱.
Doi: 10.22034/qjmst.2019.38082
- رستمی، علی؛ پرتوی، محمدتقی؛ زرین‌کلاه، حسین (۱۴۰۰). عوامل امنیتی مؤثر در بروز جنگ ترکیبی توسط گروه‌های تارگذاری در غرب آسیا. فصلنامه مطالعات جنگ، ۳ (۹)، ۹۳-۱۱۷.
https://www.qjws.ir/article_249556.html
- ریاضی، وحید؛ اکبری، علی؛ باجلانی، صفدر؛ اکبری، حسن‌رضا (۱۴۰۰). معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران. راهبرد دفاعی، ۱۹ (۱)، ۳۷-۶۷.
Doi: 20.1001.1.17351723.1400.19.73.2.3
- زواره، سیدمسعودرضا؛ مبینی‌دهکردی، علی؛ منشادی، محمدعلی؛ ولوی، محمدرضا (۱۳۹۹). الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۸ (۸۰)، ۲۳-۵۶.
https://journals.sndu.ac.ir/article_962.html
- عزیززاده، محسن؛ محمدی‌الستی، مسعود (۱۴۰۲). دکترین نظامی جنگ آینده. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۸ (۲)، ۱۳۱-۱۶۶.
Doi: 20.1001.1.25381946/ssj.2023.101626
- قادری‌کنگ‌اوری، روح‌الله (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره: از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲ (۴)، ۱۱-۴۷.
Doi: 10.27834743/ASS.2306.1164.1
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۵). تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی. آینده‌پژوهی دفاعی، ۱ (۲)، ۱۴۳-۱۶۲.
https://www.dfsr.ir/article_27259.html
- لطفی، رسول؛ پیکری، ناصر؛ فیضی، کامران (۱۳۹۷). کاربرد داده کاوی در استفاده بهینه از بانک‌های اطلاعاتی پلیس؛ راهبردهای نوین. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۳ (۷)، ۱۴۱-۱۵۸.
Doi: 20.1001.1.25381946.1397.3.7.6.0

- متقی، ابراهیم (۱۳۹۷). امنیت پیشگیرانه در فضای چندجانبه گرایی بین المللی. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۳ (۷)، ۵۳-۷۹.
http://ssj.jrl.police.ir/article_120518.html
- مفخمی شهرستانی، حسن؛ احتشامی، علی (۱۴۰۱). تحلیل امنیتی — اجتماعی ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱۴ (۴)، ۱-۲۸.
 Doi: 10.22034/entezam.2022.100245
- Korybko, Andrew (2015), Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change, Moscow, Peoples' Friendship University of Russia.
- Tursyn, A., & Turuntaeva, A (2024). Hybrid warfare and the challenge to international law. Eurasian Science Review An International Peer-Reviewed Multidisciplinary Journal, 2 (5), 10-19.
<https://doi.org/10.63034/esr-92>.
- James K. Wither (2023). Hybrid Warfare Revisited: A Battle of "Buzzwords", Connections QJ 22 (1), 7-27,
<https://doi.org/10.11610/Connections.22.1.02>.
- Yurchak, Yu (2023). SCIENTIFIC AND PRAGMATIC ASPECTS OF HYBRID WARFARE, The scientific journal of the National Academy of National Guard Honor and Law 3 (86):80-89.
 DOI:10.33405/2078-7480/2023/3/86/287110.
- Fahmi, I., Sutanto, R. ., & Ulhaq M, F. D. (2024). Analysis of Hybrid Warfare Elements in the 2023 Asymmetric War between Hamas and Israel. Indonesian Journal of Interdisciplinary Research in Science and Technology, 2 (4), 359-368.
<https://doi.org/10.55927/marcopolo.v2i4.8718>
- Van Puyvelde, D (2015). Hybrid war—does it even exist? NATO Review [online]
- Huber, T. M (2008). Compound warfare: That fatal knot. DIANE Publishing.
- Hoffman, F. G (2009). Hybrid Warfare and Challenges, Joint Forces Quarterl, 52 (1), 25-48.
- Kaldor, M (2013). New and old wars: Organized violence in a global era, Uk, Polity Press.
- Lindley-French, J., & Boyer, Y (Eds.) (2012). The Oxford handbook of war. Oxford University Press.
- Dubowitz, M., Gerecht, R.M., & Taleblu, B (2019), What “Yes” With Iran Looks Like, Center on Military and Political Power, Center on Military and Political Power, pp.1-13, Available at:
<https://www.fdd.org/analysis/memos/2019/06/26/what-yes-with-iran-looks-like/>.